استاد محمد اسماعیلی، نوازنده ی تنبک

ریحانیان پور، شهروز

طبق قرار قبلی راس ساعت 17 مورخ 18/7/1385 جهت‏ گفت‏وگو و برداشت سخنان فرزنه‏ی عزیز استاد محمد اسماعیلی به‏ سرای آن بزرگوارم رسیدم و ایشان مختصری از فعالیت‏های پنج دهه‏ از بهترین سال‏های عمر عزیزشان را بازگو نمودند.ابتدا با ابیتی چنین‏ فرمودند:

چنین گفت روزی به پیری جوانی‏ که چون است با پیری‏ات زندگانی‏ بگفتا در این نامه حرفی‏ست مبهم‏ که معنیش جز وقت پیری ندانی‏ تو به کز توانایی خویش گویی‏ چه می‏پرسی از دوره‏ی ناتوانی‏ متاعی که من رایگان دادم از دست‏ تو گر می‏توانی مده رایگانی

با گذشت سال‏ها هنوز وقتی سخنی یا نوشته‏یی درباره‏ی تنبک و آن‏چه که بود به خصوص نوازندگان آن می‏شنویم یا می‏بینیم با رنجی‏ عظیم روبه‏رو می‏شویم.رنجی که همواره بر دوش نوازندگان این ساز سنگینی نموده و گویی از اولین تلنگرهایی که نواخته می‏شود،این رنج‏ در ذرت وجود اثر می‏گذارد و نتیجه موجودی دردمند است که جز به‏ شکایت لب نمی‏گشاید و از کیفیت زندگی گذشتگان آن‏چه می‏دانیم‏ مبنی بر کلام استاد بزرگ تنبک زنده‏یاد حسین تهرانی که می‏گوید: وقتی ضرب‏زدن را شروع کردم هم ساز فقیر و کوچک و هم به نوازنده‏ آن به دیده هنرمند نگاه نمی‏شد،و چنان تحقیرش می‏کردند که‏ هیچ‏کس جرات نمی‏کرد به نواختن تنبک رغبتی نشان بدهد،حتا مردم عادی و نوازندگان دیگر هم چندان نگاه مهربانی نسبت به‏ تنبک‏نوازها نداشتند.

هنر تنبک‏نواز چندان مورد توجه‏شان نبود تا ظهور حسین تهرانی‏ که با شخصیت والای خود و قابلیت‏هایی که به نواختن تنبک بخشید ارزش و اعتباری به تنبک و نوازنده آن اعطا نمود که پس از سالیان‏ سال بدون یاد و نام او هیچ شاگردی دست به ساز نمی‏برد.ایشان‏ همیشه یادآوری می‏نمودند تنها آرزویم این است که به تنبک‏ شخصیت دیگری بدهم و در بهترین شرایط در کنار سازهای دیگر بنشانم و کاری کنم که تنبک‏نوازی افتخار باشد و چنین هم شد.در شهروز ریحانیان‏پور

ادامه‏ی سخنان استاد،بنده هم به عنوان فردی که علاقه‏مند به هنر موسیقی می‏باشم کاملا سخنان ایشان را درک نموده و همان رنج‏ عظیمی را که وی در اوایل سخنانشان بدان اشاره فرموده بودند در چهره‏شان به خوبی مشاهده نمود.همان رنجی که امروز ایشان را به‏ مرحله‏یی از استادی رسانیده که نه تنها به عنوان بهترین و برجسته‏ترین شاگرد استاد تهرانی،بلکه خود نیز بهترین استاد تنبک‏ در حال حاضر می‏باشند.

بعد از استاد تهرانی،شاگرد برجسته‏ی این استاد یعنی استاد محمد اسماعیلی با جان‏فرسایی زایدالوصف راه ایشان را ادامه داد و فعالیت‏های خود را در نوازندگی در ارکستر،گروه‏نوازی،تک‏نوازی و تربیت شاگردان در اقصی نقاط کشور ادامه دادند و الحق حسین تهرانی‏ نایب بر حق خود را چنین به جامعه تحویل داد.

ایشان آن‏چه را که از استاد خود آموخته با ذوق و سلیقه درونی‏اش‏ درهم آمیخته و آثاری خلق نمودند که با اجرای آن‏ها در کنسرت‏های‏ داخل و خارج از کشور شگفتی آفریده و مورد تحسین تماشاچیان و هنر دوستان به موسیقی واقع شدند،تحصیلات‏شان را در دبستان رازی‏ و دبیرستان پیرنیای تهران به اتمام رساندند و از مشوقین هنری خود دایی‏هایشان آقایان مرتضی و مصطفی گرگین‏زاده نام می‏برند.

آشنایی استاد با استاد حسین تهرانی به سال 1320 برمی‏گردد و شروع فعالیت‏های هنری استاد اسماعیلی به سال 1337 با معرفی‏ استاد خود به ارکسترهای وزارت فرهنگ و هنر از جمله گروه هم‏نوازان‏ تنبک به رهبری استاد تهرانی در سال 1346 می‏باشد و عملا در همین ایام به جانشینی استاد خود در هنرستان موسیقی مشغول به‏ تدریس می‏شوند.ضمن تدریس در هنرستان فعالیت‏های خود را مانند تحقیق و تفحص بر روی ریتم‏های زورخانه که توسط آقای غلام رضا انصاف‏پور به خط نت درآورده و در کتابی به نام تاریخ و فرهنگ‏ زورخانه به چاپ رسیده است،ادامه داده و هنر تنبک‏نوازی را در شاخه‏های گوناگون توسعه بخشیده‏اند.

برای اولین‏بار آموزش دف به هنرجویان علاقه‏مند توسط ایشان‏ انجام گرفته و هم‏چنین هنرجویان ضمن تحصیل در گروه استاد اسماعیلی به همکاری مشغول بوده‏اند.

به سال 1345 سرپرستی گروه تنبک‏نوازان وزارت فرهنگ و هنر را به عهده گرفته و 12 سال فعالیت خود را در 15 قطعه بر اساس‏ ریتم‏های ایرانی جلوه‏گر ساختند که بعضا در جشن هنر شیراز و کنسرواتورهای مختلف در خارج از کشور به روی‏ صحنه رفته است.قطعه‏ی رهنما بر اساس یکی از داستان‏های اصیل ایرانی ساخته شده است که حدودا 200 مرتبه و با موفقیت چشم‏گیر روی صحنه رفته است و قطعه دیگری که در سال‏روز فوت زنده‏یاد حسین تهرانی‏ را تنظیم و به اجرا درآوردند.

از دیگر فعالیت‏های ایشان همکاری با گروه اساتید موسیقی ایران به رهبری استاد فرامرز پایور می‏باشد که‏ سالیان سال ادامه داشته است.

پس از 10 سال وقفه کار هنری از سال 1358 لغایت 1368 بار دیگر فعالیت خود را از سر گرفته و در سال 1368 با گروه تنبک خود که از شاگردان جدید و سال‏های آخر تشکیل شده بود،قطعاتی را به مناسبت‏ ولادت حضرت علی اجرا نمودند.در سال 1368 استاد اسماعیلی‏ به همراه گروه اساتید موسیقی ایران جهت اجرای برنامه به دعوت کانون‏ موسیقی‏دانی‏های فرانسوی که درباره‏ی موسیقی کنکاش می‏نمود، به مدت یک هفته در معروف‏ترین سالن تئاتر پاریس به اجرای برنامه‏ پرداختند و در همان هنگام دعوتی از کشور امریکا از ایشان جهت‏ اجرای کنسرت به عمل آمد و مدت 3 ماه در شهرهای لوس‏آنجلس، واشنگتن،کالیفرنیا،اورنج کانتری به اجرای برنامه پرداختند که این اجرا در یک کاست به نام دونوازی به همراه استاد فرامرز یاپور،استاد جلیل‏ شهناز،استاد مرحوم اصغر بهاری در دسترس علاقه‏مندان به موسیقی‏ قرار گرفت.استاد فعالیت خود را در گروه یاپور ادامه داده و ضمن‏ توضیح در مورد کسالت استاد یاپور ابراز تاسف از این موضوع و چه‏گونگی همکاری خود را با این گروه زیر نظر استاد هوشنگ ظریف‏ و هم‏چنین شاگرد پر توان استاد یاپور،آقای سعید ثابت که در مقطع‏ فوق لیسانس موسیقی و خود استاد می‏باشند،توضیحاتی ارائه نمودند، این گروه هم اکنون در حال تمرین برای اجرای برنامه می‏باشند.

استاد جهت تداوم و نظم‏دادن به آموزش تنبک که یکی از ارکان‏ ارکستر می‏باشد،تجربیات خود را در کتابی به کوشش آقای سیامک‏ بنائی در دسترس عموم قرار دادند و هم‏چنین کتاب دیگری را جهت‏ گروه‏نوازی به کوشش آقای مسعود پور سید احمد به چاپ رساندند و در حال حاضر مشغول ویرایش کتاب دوم آموزش تنبک خود می‏باشند.

از اصلی‏ترین فعالیت استاد تشکیل و تداوم گروه‏ تنبک‏نوازی از زمان دور تا به امروز بوده که این گروه‏ کماکان با شاگردان ممتاز تربیت شده به نام‏های آقایان‏ بنائی،پور سید احمد،سعادت،نعمتیان،بنی‏حسینی، افسریان،ریحانیان‏پور،حسین‏پور،طیبی،تاجیک،عرب و خانم‏ها،قادری،مهجور،محمدپور در داخل کشور به‏ رهبری استاد ادامه کار می‏دهند.

در پایان استاد پس از ذکر نصایح حضرت مولا علی(ع)درباره‏ی‏ هوای نفس سخنان خود را با چندین بیت شعر از حضرت حافظ به‏ پایان رسانیدند.

خسته‏گان را چو طلب باشد و قوّت نبود گر تو بیداد کنی شرط مروّت نبود گر مدّد خواستم از پیر مغان عیب مکن‏ شیخ ما گفت که در صومعه همت نبود چون طهارت نبود کعبه و بت‏خانه یکی است‏ نبرد خیر در آن خانه که عصمت نبرد حافظا علم و ادب‏ورز که در مجلس خاص‏ هر که را نیست ادب لایق صحبت نبود